

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و پنجم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 2 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که عرض شد در یک نگاه کلی به آیات قرآن، به یک اصل می‌رسیم و آن عدم اعتماد به غیر علم است در جایی که یک حقی وجود دارد.

از این روی به نظر می‌رسد حق با مخالفین حجیت خبر واحد است چرا که قرآن رسماً می‌فرماید جای علم را هیچ چیز نمی‌گیرد؛ البته نباید غافل شویم چرا که برخی از موارد تخصیصاً یا تخصصاً از این عموم قرآن خارج است. نکته: سراغ غیر علم رفتن برای حال ضرورت و مصلحت است چرا که اصل اولی این است که لا تقف ما لیس لک به علم... استاد: فضای بحث ما با مشهور متفاوت است؛ مشهور معتقدند که قرآن موافق حجیت خبر واحد یا لا اقل نسبت به حجیت و عدم حجیت ساکت است اما ما معتقدیم قرآن موافق با عدم حجیت خبر واحد است. نکته: استدلال به یک دلیل به صرف امکان، فایده‌ای ندارد بلکه باید دلیل ظهور (قالب) داشته باشد والا اگر دلیلی ظهور نداشته باشد به درد نمی‌خورد.

آیاتی که مشهور برای حجیت مطرح کردند باید ببینیم چنین ظهوری دارند یا نه؟

آیه اول آیه نبا بود که مطرح شد؛ در مورد این آیه دو شان نزول مطرح است؛ اولین شان نزول: ولید بن عقبه رفت از بنی مصطلق زکات بگیرد. فکر کرد آنها میخواهند او را بکشند برگشت و گفت بنی مصطلق مرتد شده اند و... که آیه نازل شد آن جائکم فاسق بناء فتبینوا ...

شان نزول دوم: ماریه قبطیه از همسران پیامبر (ص) متهم شد که پسر عموی دارد و با او رابطه نامشروع داشته است و... پیامبر ناراحت شد و امیرالمومنین علیه السلام را فرستاد و فرمود برو اگر راست بود پسر عمو را بکش و... وقتی حضرت امیر علیه السلام رسید دید ماریه پیش پسر عمویش است تقریباً به این نتیجه رسید که او رابطه نامشروع داشته است تا شمشیر کشید او را بکشد او فرار کرد و به بالای درختی رفت در این هنگام حضرت امیر علیه السلام دید او آلت مردانگی اصلاً ندارد و... آنجا فهمید که این تهمتی بوده است که به جناب ماریه زده بودند سپس به محضر پیامبر شرفیاب شد و آیه نازل شد. البته شان نزول اول معقول تر است اما شان نزول دوم هم در منابع ما ذکر شده است.

اولاً: آیه شان نزول دارد و ارتجالی نیست یعنی بر اثر یک واقعیتی نازل شده است اما اگر شارع بخواهد مطلبی را ارتجالی بیان کنند باید بر هرکدام از الفاظی که به کار می‌برد مفهومی را بار کنند؛ اگر خدای تعالی می‌خواست بدون شان نزول چنین مطلبی را بیان کند قاعده اش این بود که بگوید یا ایها الذین آمنوا لا تصیبوا قوماً بجهاله... و معنا نداشت بگوید آن جائکم فاسق بناء ...

در جاییکه قرآن مطلبش را با شان نزول مطرح می‌کند در این موارد مفهوم‌گیری ممکن نیست (حتی کسانی که قائل به مفهوم‌گیری هستند) چرا که شان نزول باری اضافه دارد.

استاد: بنده معتقدم و لو مطلبی ارتجالی ارائه شود مفهوم ندارد لذا اشکال بنده مبنایی است اما کسانی که قائل به مفهوم‌گیری هستند می‌گویند اگر مطلبی ارتجالی ارائه شود مفهوم دارد.

استاد: این آیه پیامی جز سایر آیاتی که دیروز مطرح کردیم ندارد سایر آیات که دیروز گفتیم مفادشان این بود که به غیر علم تکیه نکنید لا تقف ما لیس لک به علم... و این آیه نیز می‌گوید لا تصیبوا قوماً بجهاله... پس این آیه نیز مفاداً مانند سایر آیات است و خبر فاسق که در آیه ذکر شده است به عنوان یک مصداق مطرح شده است.

آیه دوم آیه نفر بود که مطرح شد؛ اولین کاری که باید بکنید این است که سیاق آیه را ببینید آیه در سوره توبه است و در مورد کسانی است که با پیامبر به جنگ نرفته اند و سپس ثواب جهاد را مطرح می کند و سپس آیه نفر را مطرح می کند و سپس دستور به جنگ می دهد.

راجع به شان نزول هم باید بگویم که سه شان نزول مطرح شده است.

1: پس از اینکه متخلفین از جهاد مذمت شدند مردم همگی می خواستند جهاد کنند و... آیه نازل شد که یک عده شما باید بمانید کنار پیغمبر صلی الله علیه و آله و معرفت پیدا کنید وقتی بقیه از میدان جهاد برگشتند آنها را ارشاد کنند.

2: یه عده از مبلغین از مدینه و اطراف شروع کردند به تبلیغ در شهرهای دیگر و... به آنها گفته اند که شما پیغمبر (ص) را رها کرده اید و همگی تبلیغ می کنید اینها ناراحت شدند و تصمیم گرفتند برگردند مدینه کنار پیغمبر (ص) آیه نازل شد و گفت همچنین فکری درست نیست.

3: یک عده از اعراب آمده اند خدمت پیامبر (ص) چیزهای را یاد بگیرند به جای اینکه چند نفر بیایند عده زیادی آمده اند و باعث کثیفی، بیماری، گرانی و... در مدینه شدند آیه نازل شد عده از شما کوچ کنند نه اینکه همگی کوچ کنید.

**و الحمد لله رب العالمین**